

دروود به صفر قهرمانی کهن ترین زندانی سیاسی جهان!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

روزنامه های ایران اطلاع دادند که علاوه بر «ژیرو» خدمتگزاران بشره که شاه سناتور رسول پرویزی را متصلی آن کرده بود، از کثرت «علاقه» ری رژیم دیکتاتوری به «حقوق بشر» اخیراً باز سازمان دیگری تحت ریاست سناتور عماد تربتی و با عنوان «کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر» پش رکت سناتور ها و «کلاسه مجلس» در ۲۹ دیماه سال جاری تشکیل گردیده است. در نطق تربتی و چاکرانه ای که

رژیم دیکتاتوری ایران در جامعه مدافع حقوق بشر!

امر است. یعنی اگر ۲۵۰۰ سال پیش کورش تنها یک دغه اعلامیه حقوق بشر صادر کرده در عصر ما «شاهنشاهی» یک بند اعلامیه حقوق بشر صادر میکنند و تمام فرامین و «دستورات معظم له» خود برهان و دلیلی بر همین مدعاست. پس از این جملات «مقدم» در باره شاهی که خود یکی از خون آشامترین دیکتاتورهای جهان امروزی است، جناب سناتور (و بیخود هم که مردم سناتور نمیشوند) مطلب مهمتری میفرمایند: «برای اولین بار در جهان» مبارزه با بیسوادی بوسیله

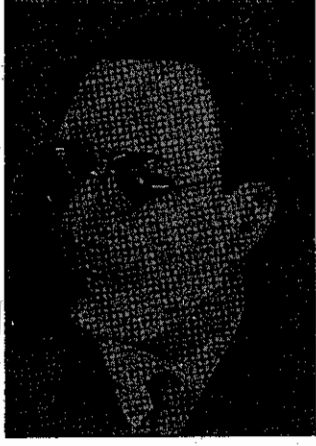
عماد تربتی رئیس کمیته نامبرده در جلسه ستا ایراد داشت، ازجمله این بیانات جالب توجه است: «مناسب میدانم یادآور شوم که دو هزار و پانصد سال است اعلامیه حقوق بشر (۱) بوسیله کورش کبیر صادر شده و این بزرگترین افتخاری است که فقط نصیب ملت ایران شده و در جهان هیچ ملتی دارای چنین افتخاری نیست. پس از این کشف مشعش تاریخی که کورش در ۲۵۰۰ سال پیش «اعلامیه حقوق بشر» صادر کرده، جناب سناتور افزود: «ما در عصری زندگی میکنیم که شاهنشاهی بزرگترین خادم عالم بشریت بشمار میروند و تمام فرامین و دستورات معظم له مؤید این

افتخار بر شهیدان!

آغاز نمود، که فاشیسم در قلب اروپا بحکومت رسیده بود و در میهن ما ایران، تمام روزه های تنفس آزاد بر روی مردم مسدود بود. نه تنها دفاع از منافع طبقه کارگر جرم نا بخشودنی بشمار میآمد، بلکه رشتاشه مستبد از لفظ «کارگر» و همه مقوله های اجتماعی -

۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸، دکتر تقی ارانی، یکارچوومار کسبیت اندیشمند، در پی توطئه ای «خان شهربانی رضا شاه» بمنظور قتل او ترتیب داد، به بیماری تیفوس در زندان در گذشت. وی ارانی، ایمان بی تزلزل او به جهان بینی کسبیت - لنینیسم و یقین قطعی اش به رسالت رگر در ایجاد جامعه نوین، قلیغ از ستم می بود، که به ییار، همزمان وشاگردانش ارانی هنگامی به ترویج مارکسیسم در ایران

تندیس یاد خسرو روزبه کار هنرمند ایرانی رضا اولیا



سیاسی همپیوند با آن وحشت مرگ داشت. ارانی از اینکه در چنین شرایط دهشت باری پرچم دفاع از منافع طبقه کارگر را برافرازد، کمترین هراسی بدل راه نداد. هر چند ارانی در این راه گرامی ترین عطیه طبیعت یعنی جان خود را باخت، اما بردتاریخی با او بود. زیرا طی کمتر از دو سال بنای پوشالی دیکتاتوری رضا شاه فرو ریخت و سخیان او در دادگاه ۵۳ نفر، در محکومیت دیکتاتوری و در دفاع از حقوق زحمتکشان که لای پرونده های شهربانی رضا شاه خاک میخورد به یکباره زیری حیاتی یافت، سینه بسینه گشت و برپرچم مبارزه خاقهای ایران نقش بست. با ستوط رضا شاه حماسه نا تمام مبارزه ارانی را صد ها هزار نفر از زحمتکشان میهنش با پیگیری ادامه دادند و در تلریخ مبارزات مردم ایران نمونه های درخشان بیکار جوئی و پایداری و قهرمانی آفریدند.

ما در روز شهادت ارانی از همه شهیدان حزب توده ایوان یاد میکنیم که سیمای شجاعشان یاد آور نبرد های خونین در دورانهای مختلف حیات مهن ما میل انقلاب و ضد انقلاب، میان مردم از یکسو و ارتجاع و امپریالیسم ازسوی دیگر بوده است: از شهیدان فاجعه ملزنان، آبادان، اصفهان در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵، شهیدان قیام خراسان در سال ۱۳۲۴، شهیدان جنبش آذربایجان و کردستان، آن زنان و مردان دلیری که بگناه دفاع از حقوق خلقهای ایران در سال ۱۳۲۵ بدست جلادان شاه قتل عام شدند، شهیدان کشتار ۲۳ تیر ۱۳۳۰، شهیدان تظاهرات خونین بابل و لنگرود در در سال ۱۳۳۱، کشتار ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تهران، شهیدان ۱۶ آذر دانشگاه تهران، شهیدان دلیر سازمان افسری حزب توده ایران در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴، مبارزان شهیدی چون وارطان سالاخیان و کوچک شوشتری که در شکنجه گاهها لب بستند و جان باختند، شهید قهرمان خسرو روزبه که با نصب مجسمه یاد بوش در ایتالیا، بیش از پیش درجهان به مظهر پایداری خلقهای ایران در برابر رژیم دیکتاتوری شاه بدل گشته است، شهیدان دلآوری چون حسن رزمی و محمد حسین معصوم دنباله در صفحه ۲

زندگی و کار معدنچیان ذغال

در کرمان

(نامه ای از ایرات)

دوستان عزیز! این گزارشی است از معادن استخراج ذغال سنگ کرمان، استخراج را شرکتی بنام «شرکت سهامی خاص ذغال سنگ کرمان» انجام میدهند و تمام محصول استخراجی را به ذوب آهن اصفهان میفرشند و همچنین تمام کارمندان و کارگران مشغول بکار در استخراج ذوب آهن هستند. این معادن در حدود یک ساعت راه ماشین رو اطراف شهرستان زرتند، کرمان قرار دارند و نامهای آنها عبارت است از: «باب نژیو»، «پابانان»، «هجدک»، «اشکله».

در این معادن در حدود ۱۵ هزار نفر کارگر در سه شیفت کار میکنند (رقم تقریبی است) که عده ای از آنها در شهر زرتند زندگی میکنند ولی اکثر آنها از دهات اطراف این معادن تا شعاع ۵۰ کیلومتری هستند که بیشتر بوسیله موتورسیکلت به سرکار خود میآیند و مجبورند دو ساعت قبل از شروع کار از منازل خود حرکت کنند. سی گویوم «منزل» ولی بهتر است بگوییم بیغوله هایشان، یعنی اتاقک های صکه در دل کوه درست کرده اند. این کارگران از نظر مدرک تحصیلی و پایه شغلی چند دسته هستند. یکی کارگران دهات اطراف که احتمالاً دوسه کلاس درس خوانده اند و در خود کارگاهها (کارگاه جانی درسی چهل متری زیر زمین داخل یک سوراخ) کار میکنند و سخت ترین کار را اینان دارند و حقوقشان بر حسب تعداد کلاسها و سابقه کار (برای هشت ساعت تمام بدون وقت غذا خوردن و ۴ تا ۵ ساعت زمان رفت و آمد) از روزی ۳۰ تا ۶۰ تومان در نوسان است. (۶۰ تومان برای کسی که حدود ده سال سابقه کار دارد). دسته دوم کسانی که تا کلاس سوم دبیرستان خوانده اند و در آموزشگاه معین ذوب آهن یک دوره ۹ ماهه دیده اند. اینها معمولاً سرکارگر هستند و حقوقشان با چهار تا پنج سال سابقه کار حدود ۲۵۰ تومان در ماه است. برخی از همین ها مدتی درشوروی دوره دیده اند و در مقایسه با وضع کنونی خود از آنجا خاطره های مثبتی دارند. این گروه دوم آگاه ترین کارگران هستند و با وجود حقوق نسبتاً خوبی که میگیرند، نراسانی هستند. به حقوق کارگران چیزی باسم سود ویژه یا سود ذغال اضافه میشود که به هر تن ذغال که کارگاه بیشتر از ۷۰ تن در روز استخراج کند تعلق میگیرد. البته مبلغ آن زیاد است ولی کارگران میکنند که به آنها در حدود سالی ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان میرسد. بطور کلی حقوق پایه ای کارگران را بسیار پایین نگه میدارند. مثلاً حقوق کارگری که روزی ۵۰ تومان مزد میگیرد روزی ۲۵ تومان است و بقیه را بعنوان اضافه کار و شب کاری و غیره به آن اضافه میکنند تا هر وقت خواستند بتوانند آن را کسر کنند و یا اگر قرار شد رسمی شوند (تاحالا هیچکس رسمی نشده) پایه حقوق آنها کم باشد. گروه بعدی دیبله ها و فوق دیبله ها هستند که دنباله در صفحه ۲

لنین

لنین! خاموش شد شمع نگاهش ولی قلبش طپد در پیکر خلق به پیش ساحت آرامگاهش بینا بنگر، صفا صف لشکر خلق

لنین برخاست از غوغای تاریخ چو نیرومند و بی همتا دلاور فرخت ظلم را تا بر کند بیخ بت زریسه را تا بشکند سر

همای بخت انسان پر شکسته لنین آن را نشاط و خرمی داد در گنج سعادت بود بسته کلیدش وی بدست آدمی داد

شید از پیش این وختور بینا دم جان بخش اکبر مهن را وزین ملوفان معظم ساخت طالع یکی خورشید کاراید زمین را

چو نتش بیستون بر قلب ایران بود نام لنین جاودان، حک تلاش خلق ایران ضد دشمن باشد لحظه ای زین نام منکذ

بنا بد بر سر اورنگ تاریخ بنا بد در خون رشخ این نام بنا بد بر سر امواج جنبش ز گوهر هاست بر چو گنج این نام

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام به پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز!

از پیام شاد باش آن رفقا به چهارمین کنگره حزب کمونیست ویت نام صمیمانه سپاسگزاریم. ما این پیام را مظهر همبستگی رزمجویانه و تشویقی بزرگ برای حزب و خلق خود میبیم که در راه اجراء قطعنامه های کنگره و ایجاد کامیابانه یک ویتنام صلحجو، مستقل، متحد و سوسیالیستی کوششت. درود های کمونیستی ما را بپذیرید. کمیته مرکزی حزب کمونیست ویت نام

زندگی و کار معدنیان ... فقط بر کارگران نظارت میکنند. مهندسان و زمین شناسان هم که پشت میز می نشینند و امضا میکنند و ماهی یکی دو بار به کارگاهها سر میزنند. بطور کلی امور اینجا را کارشناس های شوروی میگردانند. تعداد آنها در منطقه باب نیرو، حدود سی نفر است؛ شدیداً کار میکنند و بکارشان سخت علاقه نشان میدهند و بهمین سبب هم روابطشان با مهندسان پشت میز نشین ایرانی زیاد خوب نیست ولی در عوض با کارگران روابط آنها خوب است. شعار آنها اینست: اول امری برای کارگر بعد کار. کارگران میگفتند: «اگر اینجا نشاند، ما روزی صد تا کشته میدیم». سواک تماس گرفتن با آنها را در غیر از امور مربوط به کار برای ایرانیها قذف کرده است. کارگران همیشه با مرگ روبرو هستند و هر آن ممکست کارگاه ریزش کند، یا آتش سوزی ایجاد شود یا در چاه بیفتند، یا غزرات بسیار دیگر. معمولاً ماهی یکی دو کشته و زخمی میدهند. وضع بهداشت بسیار خراب است و فقط یک درمانگاه جنب اداره هست که غالباً نه دوا دارد و نه دکتر و بیماران را از سر باز میکنند. کارگری زمستان بچه بیماری را از ده که از آن پیاده تا درمانگاه راه زبانی است، در میان برف و بوران لای پتو پیچیده و آورد ولی دکتر بدون آنکه حتی به بچه نگاه کند از روی پتو باو نسخه داد. غالباً به بیماران هر مرضی که داشته باشند، یکی دو تاقص اسپیرین میدهند و رشتان میکنند. کارگران میکنند ما شنیده ایم در معادن شوروی ماهی یکبار تمام کارگران را اجباراً معاینه میکنند ولی بسیاری از کارگران دو سال بود که ریه هایشان مریض بود، کسی به دادشان نمیرسید. بطور کلی اکثر کارگران این معادن ریه هایشان خراب است؛ زیرا در تمام طول کار با گرد و غبار ذغال و خاک سر و کار دارند و فقط یک اوله از بیرون به کارگاه هوا میرسانند. زندگی این کارگران در دهات رنگ و بوی تازه ای به ده داده است و چیزهایی در این دهات هست که در جاهای دیگر کمتر پیدا میشود. مثلاً تلویزیون در خانه ها بدون آنکه از رفاه متناسب با آن برخوردار باشند، کسرو، موتورسیکلت و غیره. بعضی از خانواده های کارگری هنوز ظلمه زمین کوچکی دارند که زن و بچه های خانواده در آن کار میکنند. یا خانواده هایی که چند تائی گاو و گوسفند و یا باغ کوچکی در جنب خانه دارند. ولی رفتار این کارگران که تا چند سال قبل دهقان بوده اند، کاملاً از یک دهقان متمایز است. در رفتارشان عنصر آگاهی و زرنگی بخصوصی دیده میشود. آنها دیگر بکنی نایخته از نظر زندگی شهری نیستند. بطور کلی بسوی تبدیل شدن به آن کسی که پرولت - بمعنی اخص آن - نامیده میشود پیش میروند.

در منطقه میادانا، تابحال چندبار اعتصاب شده است. در منطقه باب نیرو، نیز در اسفند ۱۳۵۴ اعتصاب سه روزه ای انجام شد که خواست مشخص کارگران در آن درخواست حقوق عقب افتاده شان بود، چون سه ماه حقوق آنها را پرداخت نکرده بودند. علاوه بر آن کارگران خواستار عوض کردن مهندسی که مسئول تعدادی از معادن است بودند. کارگران از این مهندس نفرت داشتند، چون برای خوش خدمتی و جزی بیشتر خودش آنها را بیشتر استثمار میکند. مثلاً کامیونی که پار آن تری آنهم بوده و همین شخص مسئول خرید آن تری آنهم بوده است، در راه کرمان تا معادن کم شده. در طی این سه روز کارگران پسر کار نم روند و تعدادی از عوامل وابسته رژیم را کتک میزنند. طبق معمول ژاندارم ها دخالت میکنند. اما پس از سه روز خوب آهن حاضر میشود حقوق آنها را فوراً بپردازد و اعتصاب خاتمه میدهد. پس از اعتصاب غده زبانی را سواک از خانه هایشان میریاید. حقوق ماهی از پیشرفت و خرداد و تیر کارمندان در اواخر مرداد ماه هنوز پرداخت نشده بود. این کانوهای حزب، رستخیز، هم قوز بالا قوز شده است و کارگران را هر چند روز یکبار مجبور میکنند ساعت ۶ صبح جلوی معادن جمع شوند و باصلاح جلسه حزبی تشکیل بدهند و بجای شاعستانه آریا هر دعا کند.

افتخار بر شهیدان

زاده که برای مبارزه حزبی با ایران اعزام شدند و به دست مأموران سواک سر به نیست گردیدند، شهیدان نامدار حکمت جو و تیزبازی و صدها شهید بی نام و نشانی که طی ۳۵ سال حیات پر ماجرای حزب توده ایران خونشان سنگرش خیابانهای مین ما را رنگین ساخته است.

طول شهیدان بنام و گمنام حزب ما دلالت گر آن نبرد خونینی است که ۳۵ سال است میان حزب ما بخلاف حزب پیشاهنگ طبقه کارگر، علیه رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه و امپریالیسم پشتیبان آن ادامه دارد و تا پیروزی قطعی زحمتکش ایران ادامه خواهد یافت. بر تارک شهیدان حزب توده ایران این افتخار ابدی میسرشد که در راه صحیح مبارزه بشهادت رسیدند، جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم، برایا کیزه نگاه داشتند، چراغ راه مبارز ساجند، و تا پایان بلدان و فادار ماندند. باید راه آنان را ادامه داد، باید برای پیروزی آرمانهایشان مبارزه کرد.

مرگ شکوهمند شهیدان حزب توده ایران که سیراب از سرچشمه ایمانشان به مردم و به نظام عادلانه سوسیالیسم بود، به چنان نیروی پر جاذبه معنوی بدل شد که با وجود ترور و اختناق حاکم، در جلب تسل جوان مین ما به مبارزه علیه سبهاکریه رژیم شاه و برای ایجاد دگرسانی عمیق در جامعه، نقش ارزنده ایفا کرده است.

در روز شهیدان از همه شهیدان جنبش ضد ارتجاعی و ضد استعماری مین ما یاد میکنیم؛ زنان و مردانی که بگناه مبارزه علیه رژیم جنایت پیشه شاه و امپریالیسم غارتگری را در تنگراهی سواک کشته و با تسلیم چوبه تیر بران شدند. اینها صرفنظر از شیوه مبارزاتشان نیز نمونه های تحسین انگیز رشادت و ایاداری ارائه کردند. از مبارزان دلآوری مانند خسرو گلسرخی و امثال او یاد میکنیم که حماسه تسلیم ناپذیری شان در برابر زنجیر، آنانرا به نمونه های ایاداری نسل جوان بدل کرده است.

پنجاه سال سلطنت خود کامه خاندان پهلوی خونهای پاک بسیار بر خاک ریخته است. روان نیست که این خونها با ادامه پراکندگی نیروهای ضد رژیم هتر رود. گام نظمت برای به سلطنت رساندن آمرانهی والائی که شایسته ترین فرزندان مین ما در راه آن شهید شدند، بیگانگی نیرو هاست. بیگانگی همه نیرو های ضد رژیم جابر موجود، برای سرنگونی دیکتاتوری شاه.

میتو

رژیم دیکتاتوری ایران ...

شاهنشاه زئوف ما اعلام شده و نیز منع استعمال سلاح اتمی در خاور میانه از اقدامات درخشان شاهانه است، که البته ما از وقوع حادثه اخیر که در خاور میانه بر اثر اقدامات درخشان شاه ایران استعمال سلاح اتمی منع شده خبر نداشتیم ولی از تلاش حریصانه شاه برای ایجاد وابستگی تازه ای از جهت انرژی اتمی به جهان سرمایه داری بیژوه پس از بیانات اخیر اکبر اعتماد اطلاعاتی کسب کرده بودیم.

اما هدف این کمینیه پارلمانی دفاع از حقوق بشر چیست؟ به بیان جناب ساتور آنست که: «به دیدنجهای عالم بشریت و عقب ماندگیهای ملل ضعیف رسیدگی کنیم»، و کمی مشخصتر: «متأسفانه بعضیها بخودشان حق این جبارت را داده بودند که واجب امور که اطلاع ندارند درباره آن اظهار نظر کنند...»

از تملق های تهوع آور که بگنوریم، از این جمله آقای رئیس کمینیه نوبنیاد روشن میشود که سازمان تازه، حلقه ای از آن اقداماتی است که رژیم در هفته های اخیر برای مقابله با جلسه ای که قرار است در شهر لاهه در زمینه دفاع از حقوق بشر انجام گیرد، بدانها دست زده است. اظهارات کتبی و شفاهی در رادیو و تلویزیون علیه سازمان عفو بین المللی، و دیگر سازمانهای بین المللی، انتشار مطالبی در باره سازمانهای اپوزیسیون درشمالرهنی متعدد جرایده کیهان، و «اطلاعات»، اعتراض به دولت هلند در مورد تشکیل جلسه مورد بحث، اعلام در جرایده که در ایران دیگر،

روزنامه اینروستیا

در باره ایران

ایروستیا میگوید:

ایران و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه خلیج فارس تحت عنوان واهی خطر کمونیسم ارتشهای این منطقه را با امپریالیسم وابسته کرده اند.

روزنامه ایروستیا زیر عنوان «جنون بلوکساز» در تاریخ ۹ فوریه ۱۹۷۷ تفسیری منتشر ساخته که خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان میرسانیم؛ در این تفسیر ضمن بررسی سیاست نظامیگری و نفتی ایالات متحده امریکا در منطقه خلیج فارس و ناحیه قیانونس هند خاطر نشان شده است از آغاز سالهای هفتاد ایالات متحده امریکا برنامه وسیع صلور تسلیحات، منطقه خلیج فارس را بر مرحله اجراء گذارد. طی چهار سال اخیر ایران متجاوز از ۱۵ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی خریداری کرده است. به تمیذ کارشناسان نظامی عالی رتبه امریکائی فروش تسلیحات مژن امریکائی باین مقیاس گسترده به کشور های این منطقه از یکسو امانه هزینه هائیا که امریکا در قبایل بالارتن بهای نفت میپردازد جبران میکند و از سوی دیگر با اعزام دهها هزار مستشار و کارشناس نظامی که همراه تسلیحات به کشور های منطقه خلیج فارس اعزام میشوند، ارتشهای کشور هنی تحت خیز را عملاً به ایالات متحده امریکا وابسته میسازد. بنا به اظهار نظر «واشنگتن پست» هدف سیاست امریکا در این منطقه آنستکه رژیمهای دوست مانند ایران، عربستان سعودی و عمان را با تمام تجهیزات نظامی لازم مجهز کند تا آنها بتوانند دفاع و امنیت خود را بدون بمیان کشیدن مستقیم پای ایالات متحده امریکا به این امور، تأمین سازند. در تفسیر گفته میشود محافل رژیمهای ارتجاعی پاره ای از کشور های منطقه خلیج فارس برای توجیه منادانه خارجی در امور داخلی این کشور ها و پرده پوشی خصیلت واقعی پیوندهای خود با دول امپریالیستی شعار مبتذل و کهنه شده خطر واهی کمونیسم را بمیان میکنند.

رفیق ۱۳۳

۳۰۰۰ مارک آلمان فدرال کمک شد

رسید بسیار متشکریم

رفیق ۸۹۶۶

۱۲۰ دلار کمک شما بحزب رسید

متشکریم

رفیق رامسری

مبلغ ۱۰۰ لیره کمک شما بحزب رسید

متشکریم

رفیق ۱۳۹۵

۱۱۰۰ مارک آلمان فدرال کمک شما بحزب رسید

بسیار متشکریم

رفیق ۴۹۸

۲۳۰ دلار کمک شما بحزب رسید

متشکریم

کمکهای رسیده

از رفا:	شماره ۲۷	۱۰۰	مارک آلمان
	شماره ۶۵	۲۸	
	شماره ۶۰	۲۸	
	پنر	۵۵	
	هلال	۱۵۰	
	ح. بستگان	۳۵۴	

از همه رفا صمیمانه سپاسگزاریم

آگهی

برای اطلاع خواستاران جلد دوم کتاب «سرمایه»

جزوه اول جلد دوم «سرمایه» (کاپیتال) شد

جزوه دوم جلد دوم این کتاب بزودی خواهد شد

دقت!

ترجمه فارسی کتاب «لنین در مقابله با ترسک» از چاپ خارج شد

این کتاب که جزو سلسله انتشارات «از گ اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم» است، مجموعه از خلاصه مقالات، نامه ها و سخنرانیهای لنین است که مبارزه علیه نظریات و اندیشه های انحراف مارکسیستی، ضد انقلابی و ماجراجوانانه ترسک در دوران طولانی سالهای ۱۹۰۳ - ۱۹۲۳ در بر ما مطالعه این اثر گرانبها را به همه رزمندگان انقلابی توده ای توصیه میکنیم

سیطره سواک و دادگاههای درسته نظامی، سایه و آبر شکجه گاهها و زندانهای گوناگون، سر نظامیگری و تسلیحاتی عنان گسسته، کیش فاشیست مآبانه پرستش و خدا سازی از شاه، سیستم حزب دستوری و مطبوعات و تبلیغات دستوری تحت سانسات غیره و غیره حکمرواست، میتوان حقوق انسانیهای و ساده مرعات گردد؟ پنهان کردن واقعیت پ همیب تقض حقوق بشری و پامال کردن روح و انسانها در زیر چنگله های خشن قلندری در ایران جشی است. این طشقی است که دیگر مدتهاست پام افتاده است. ساتور غماد ثروتی هر رسیدگی میخوانند بفرمایند، اما این قسمت را مدتهاست ایران و افکار عمومی جهان مورد رسیدگی دقیق داده و داوری قطعی و نهائی خود را نیز صادر کرده

شکجه اعمال نمیشود (چیزیکه خود اختراقی است بر وجود شکجه) ساتور آزاد کردن عده ای زندانیان با اصطلاح «تادم» اظهارات اخیر شاه و وزیر خارجه اش خلعت بری در باره این مسائل همه و همه اشکال مختلف واکنش مضطربانه رژیم در برابر تشکیل یک جلسه افشائی است.

طبق سرشت «موضی» و پر از عقدهای که رژیم با کرات از خود نشان داده و میدهد، یکی از این واکنشها باین صورت در آمده است: آقا، این چه حرفی است که ما حقوق بشر را مراعات نمیکیم؟ ما از ۲۵۰۰ سال پیش خودمان متشکرش بودیم. حالا هم ساعتی نمیگذرد که در باره حقوق بشر امری ای صادر نشود. بعلاوه «شاهنشاهان» اولاً زئوف است، ثانیاً برای اولین بار در جهان با یسوانی مبارزه کرده است بعلاوه اصلاحشما چه میفرمایید؟ خودتان مگر حقوق بشر را تقض نمیکند؟ اصلاً ما باید بکار شما رسیدگی کنیم و شمارا بخاطر جسارتی که کرده اید گوشمالی بدهیم...

این اسلوب دائمی رژیم است که دائماً با پر روئی و شارلاتانیزم و تشیده بازی میخواهد بیبیهات را متکرر شود و چیزی هم طبلکار گردد. زمانی خود شاه گفته بود که ما سند «اعلامیه حقوق بشر» را فقط امضاء کرده ایم و بقیه امور را طبق قوانین و شرایط کشور خودمان انجام میدیم (یعنی کماکان به تقض آن اعلامیه مشغولیم). آیا در کشوری که در آن بهره کشی وحشیانه امپریالیستها و دخالت آنان،